

سبا نگاه

شب تهاب

خبر رفته به خواب

آسان نسیمگون

انفوس آرام

آلهی ماه، چون بر طاقوس

بیز و بندوفری و بندلی غام

از بوی لطف بنده سبان

حال شود تازه

تن بگردد جان

در غبار گنود شب همی

بگره غم ز دور می لورد

کیست بیدار و بی فرار حوسن؟

کیست ناخفته

کیست آشفته

از خبری سوم در کت بار

نفس و این کسید آریا

در بدی آخر هزاره ای ما؟

به دگرگون راه باید برد

به طبیعت بنام باید برد

به تلاش سیانه روز رفتن

و به باران هرمان

و به ماه

همی در عهد در آسکان بلند

و به دنیای سادی و غم و ما

سرد و بسته می زند بلفند

× × ×

که سبا نگاه

آورد ۱۳۷۰

ساله